

۱۲



بنیاد فکری و فرهنگی

کتابخانه

پنج گام تا تمدن

بازخوانی بیانات امام خامنه‌ای
در رابطه با سیر تکاملی انقلاب اسلامی
به ضمیمه گفتاری از دکتر فرزاد جهان‌بین





صحیفه ۶۷

تمدن اسلامی ۱۲، پاییز ۱۴۰۴

پنج گام تا تمدن

مراحل پنج گانه انقلاب اسلامی؛ بازخوانی بیانات امام خامنه‌ای در رابطه با سیر تکاملی انقلاب اسلامی؛ به ضمیمه گفتاری از دکتر فرزاد جهان‌بین
تهیه و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر
طراح جلد: علی ناصری
صفحه‌آرا: حسن ناصری
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.



نشریه‌یات امروز

انتشارات هیأت امروز

پایگاه اطلاع‌رسانی: heyatemrooz.ir
شبکه‌های اجتماعی: @heyatemrooz_ir
رایانامه: info@۱۵۴۲.org



جامعه ایمانی مشعر

قم - کدپستی: ۳۷۱۹۶ - ۱۵۶۴۷
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۵۴۲
پایگاه اطلاع‌رسانی: www.۱۵۴۲.org

بسم رب العلم

مقدمه

برخی از نظریات رایج علوم سیاسی غربی وقتی به مقوله انقلاب می‌رسند آن را حرکتی سریع و انفجاری می‌نامند که منجر به تغییر نظام سیاسی و ارزش‌های حاکم بر جامعه می‌گردد، اما در نظام اندیشگی و عملی رهبر معظم انقلاب، مفهوم انقلاب علاوه بر تعریف فوق، اجزاء و مراحل دیگری را نیز شامل می‌شود. به نظر می‌رسد «حرکت به سمت تحقق اهداف انقلاب و عملی شدن آن‌ها» محوری‌ترین گزاره در فهم معنای انقلاب از نظر معظم‌له محسوب می‌شود.

بنابراین نگاه، «انقلاب» به مفاهیم دینی همچون «قیام» و «نهضت» نزدیک می‌گردد. وقوع و پیروزی انقلاب اسلامی، برپایی نظام اسلامی، تحقق دولت اسلامی، جامعه اسلامی و در نهایت امت اسلامی پنج گامی هستند که انقلاب را به سرمنزل مقصود رسانده و آرمان‌هایش را جامعه عمل می‌پوشانند.

بدیهی است بدون درك صحیح از روند مراحل انقلاب اسلامی و فقدان نگاه جامع و همه‌جانبه به آن، افق تحلیل انسان سطحی شده و انگیزه در حرکت و استواری در این مسیر پریچ و خم، سست می‌گردد.

متن حاضر مروری گذرا است بر بیان مراحل انقلاب اسلامی در بیانات رهبر معظم انقلاب. به ضمیمه شرح و توضیحی که دکتر فرزاد جهان‌بین در رابطه با این زنجیره ایراد فرمودند که در این شماره از صحیفه تمدن اسلامی تقدیم محضر عزیزان می‌گردد.

{ زنجیره تقدس سازی اسلامی }



زنجیره منطقی

«یک زنجیره منطقی وجود دارد؛ پیش‌ها این را گفتیم،

بحث شده. حلقه اول، انقلاب اسلامی است، بعد

تشکیل نظام اسلامی است، بعد تشکیل دولت

اسلامی است، بعد تشکیل جامعه اسلامی است،

بعد تشکیل امت اسلامی است؛ این یک زنجیره

مستمری است که به هم مرتبط است.

منظور از انقلاب اسلامی - که حلقه اول

است - حرکت انقلابی است؛ و الا به یک

معنا انقلاب شامل همه این مراحل می‌شود.

اینجا منظور ما از انقلاب اسلامی، یعنی

همان حرکت انقلابی و جنبش انقلابی که

نظام مرتجع را، نظام قدیمی را، نظام وابسته

و فاسد را سرنگون می‌کند و زمینه را برای

ایجاد نظام جدید آماده می‌کند. حلقه بعد،

نظام اسلامی است. منظور من در اینجا از

نظام اسلامی، یعنی آن هویت کلی که تعریف

مشخصی دارد، که کشور، ملت و صاحبان

انقلاب - که مردم هستند - آن را انتخاب

می‌کنند. در مورد ما، مردم ما انتخاب کردند:

جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی یعنی

نظامی که در آن، مردم‌سالاری از اسلام

گرفته شده است و با ارزش‌های اسلامی

همراه است. ما از این حلقه هم عبور

کردیم. منظور از دولت اسلامی این است

که بر اساس آنچه که در دوره تعیین نظام

اسلامی به وجود آمد، یک قانون اساسی

درست شد؛ نهادهای و بنیان‌های اداره کشور

A portrait of Imam Khomeini, the founder and leader of the Islamic Republic of Iran. The image is a composite where the lower half of his white robe is replaced by a black and white photograph of a large crowd of people, many with their arms raised, and a city skyline in the background. The entire image is set against a solid green background.

IMAM KHOMEINI

Founder and leader
of the Islamic
Republic of

Iran

رهبر معظم انقلاب
علیه السلام

این انقلاب
بی نام او

در هیچ کجای دنیا
شناخته شده نیست.

و مدیریت کشور معین شد. این مجموعه نهادهای مدیریتی، دولت اسلامی است. در اینجا منظور از دولت، فقط قوه مجریه نیست؛ یعنی مجموع دستگاه‌های مدیریتی کشور که اداره یک کشور را برعهده دارند؛ نظامات گوناگون اداره‌کننده کشور. بخش بعد از آن، جامعه اسلامی است که این، آن بخش بسیار مهم و اساسی است. بعد از آنکه دولت اسلامی تشکیل شد، مسئولیت و تعهد این دولت اسلامی این است که جامعه اسلامی را تحقق ببخشد. جامعه اسلامی یعنی چه؟ یعنی جامعه‌ای که در آن، آرمان‌های اسلامی، اهداف اسلامی، آرزوهای بزرگی که اسلام برای بشر ترسیم کرده است، تحقق پیدا کند. جامعه عادل، برخوردار از عدالت، جامعه آزاد، جامعه‌ای

که مردم در آن، در اداره کشور، در آینده خود، در پیشرفت خود دارای نقش‌اند، دارای تأثیرند، جامعه‌ای دارای عزت ملی و استغنائی ملی، جامعه‌ای برخوردار از رفاه و مبرای از فقر و گرسنگی، جامعه‌ای دارای پیشرفت‌های همه‌جانبه - پیشرفت علمی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت سیاسی - و بالاخره جامعه‌ای بدون سکون، بدون رکود، بدون توقف و در حال پیشروی دائم؛ این آن جامعه‌ای است که ما دنبالش هستیم. البته این جامعه تحقق پیدا نکرده، ولی ما دنبال این هستیم که این جامعه تحقق پیدا کند. پس این شد هدف اصلی و مهم میانه ما^۱.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۲۴/۵/۱۳۹۵.

هدف میانی!

«چرا می‌گوییم میانه؟! به خاطر اینکه این جامعه وقتی تشکیل شد، مهم‌ترین مسئولیت این جامعه این است که انسان‌ها بتوانند در سایه‌سار چنین اجتماعی، چنین حکومتی، چنین فضایی، به کمال معنوی و کمال الهی برسند که: «ما خلقت الحنّ والانسّ الّا ليعبدون»؛^۱ انسان‌ها به عبودیت برسند. «لِيعْبُدُونَ» را معنا کردند به «لِيعْرِفُونَ»؛ این معنایش این نیست که «عَبَدَ» به معنای «عَرَفَ» است - عبادت به معنای معرفت است - نه! بلکه به معنای

این است که عبادت بدون معرفت معنی ندارد، امکان ندارد، عبادت نیست. بنابراین جامعه‌ای که به عبودیت خدا می‌رسد، یعنی به معرفت کامل خدا می‌رسد، تَخَلُّق به اخلاق الله پیدا می‌کند؛ این، آن نهایت کمال انسانی است. بنابراین هدف نهایی، آن است و هدف قبل از آن، ایجاد جامعه اسلامی است که هدف بسیار بزرگ و بسیار والاّی است. خب، وقتی یک چنین جامعه‌ای به وجود آمد، زمینه برای ایجاد امت اسلامی، یعنی گسترش این جامعه هم به وجود خواهد آمد که حالا آن مقوله دیگری و بحث دیگری است. این چیزی که به عنوان هدف ذکر شد، یک امر بسیار والاّست».^۲

۱. ذاریات، ۵۶.

۲. بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴.

گام نخست

«ما می‌خواهیم آن نظامی، آن تشکیلاتی و آن حکومتی را که بتوان این هدف‌ها را در آن محقق کرد، به وجود آوریم. این یک فرآیند طولانی و دشواری دارد و شروعش از انقلاب اسلامی است. البته انقلاب که می‌گوییم، حتماً به معنای زد و خورد و شلوغ کاری و امثال این‌ها نیست؛ برخلاف آن برداشت‌هایی است که می‌بینیم در بعضی از نوشته‌ها خوش‌شان می‌آید با کلمه انقلاب بازی کنند! گاهی می‌خواهند انقلاب را به معنای شورش، اغتشاش، بی‌نظمی و بی‌سامانی وانمود کنند و بگویند ما

انقلاب نمی‌خواهیم؛ یعنی انقلاب چیز بدی است! این برداشت‌های غلط از انقلاب است. انقلاب یعنی دگرگونی بنیادی. البته این دگرگونی بنیادی در اغلب موارد بدون چالش‌های دشوار و بدون زورآزمایی، امکان‌پذیر نیست؛ اما معنایش این نیست که در انقلاب حتماً بایستی اغتشاش و شورش و امثال این‌ها باشد؛ نه، ولی هر شورش و هر اغتشاش و هر تهییج عام و توده‌ای هم، معنایش انقلاب نیست. هر تحولی هم معنایش انقلاب نیست. **انقلاب آن جایی است که پایه‌های غلطی برجیده می‌شود و پایه‌های درستی به جای آن گذاشته می‌شود»^۱.**

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۰۹/۰۲.

نظام اسلامی

«انقلاب که تحقق پیدا کرد، بلافاصله بعد از آن، تحقق نظام اسلامی است. نظام اسلامی، یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن. مثل این که وقتی در کشور ما نظام سلطنتی استبدادی فردی موروثی اشرافی وابسته برداشته شد، به جای آن، نظام دینی تقوایی مردمی‌گزینی جایگزین می‌شود؛ با همین شکل کلی که قانون اساسی برایش معین کرده، تحقق پیدا می‌کند؛ یعنی نظام اسلامی»^۱.

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۰۹/۰۲.

وضعیت موجود

«وضع کنونی - یعنی وضع وجود یک قدرت اسلامی - شاید هزار مرتبه از بهترین حالاتی که در حکومت طاغوت ممکن است یک فرد برای ترویج و پیگیری و تحقق آرمان‌های الهی داشته باشد، بهتر باشد. پس بایستی این را قدر دانست. ایجاد این قدرت الهی و اسلامی، امر بسیار دشواری است. این

چیزی که الان پیش آمده و شما می‌توانید از طریق آن، این هدف‌ها را تحقق ببخشید، آسان به دست نیامده است. **صدها شرط و صدها موقعیت باید ردیف شوند و کنار هم قرار گیرند تا حادثه‌ای مثل انقلاب اسلامی بتواند رخ دهد.** این طور نبود که در هر زمانی، در هر شرایطی، در هر کشوری، چنین حادثه‌ای بتواند پیش بیاید؛ نه. در تاریخ ما، در وضع زندگی ما، در مردم ما، در ارتباطات اجتماعی ما، در اعتقادات ما، در وضع حکومت ما، در وضع جغرافیایی ما، در ارتباطات سیاسی و اقتصادی عالم، آن قدر حوادث فراوان کنار هم قرار گرفت تا شرایط آماده شد برای این که انقلاب اسلامی به وجود آید و پیروز شود. این شرایط، آسان به دست نمی‌آید. این همه

شرایط با همدیگر مجتمع شوند تا چنین چیزی پیش آید؛ چیز بسیار مستبعدی است. البته نه این که ممکن نیست - قطعاً اگر شرایط را پیش بیاورند، در همه جا ممکن است - لیکن در کشور ما به هر حال این شرایط پیش آمد و شد و این پدیده بسیار مغتنم و دیرپاب و عجیبی است، باید قدر این را دانست»^۱.

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲.

نقش دولت مردان

«نظام اسلامی یعنی چه؟ یعنی منبع تقنین و معیار و ملاک اجرا و ارکان تصمیم‌گیری در کشور معلوم شد چیست؛ ارکان حکومت (قوه مجریه، قوه مقننه، رهبری، قوه قضاییه و دیگر ارکان) چیده شد و قانون اساسی آمد همه این‌ها را تثبیت کرد؛ لذا پایه‌گذاری‌های اصولی انجام گرفت. این نظام اسلامی فقط شکل نیست؛ محتوایی دارد؛ یعنی کارهایی باید در واقعیت زندگی مردم انجام بگیرد.

تحقق این واقعیت‌ها در زندگی مردم، مردان و عناصر

مؤمن و معتقد به خودش را (که دارای صفات و

خصوصیات لازم هم باشند) می‌طلبید؛ این می‌شود

دولت اسلامی. دولت اسلامی شامل همه کارگزاران نظام اسلامی است؛ نه فقط قوه مجریه؛ یعنی حکومت‌گران و خدمت‌گذاران عمومی. اینها باید جهت‌گیری‌ها و رفتار اجتماعی و رفتار فردی خود و رابطه‌شان با مردم را با معیارهای اسلامی تطبیق دهند تا بتوانند به آن اهداف برسند. بعد هم باید آن جهت‌گیری‌ها را در مدّ نگاه خودشان قرار دهند و به سرعت به سمت آن جهت‌گیری‌ها حرکت کنند؛ این می‌شود دولت اسلامی»^۱.

۱. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸.



در ابتدای راه

«ما پیشرفت داشته‌ایم و در این ریزش و رویشی که نظام اسلامی دارد، مجموعاً رویش ما از ریزش مان بیشتر بوده است و پیش رفته‌ایم؛ علاوه بر اینکه در میدان‌های گوناگون دیگر (میدان‌های علمی و غیره که شماها گفتید و می‌دانید و بیان شد) پیشرفت‌های زیادی داشته‌ایم. ولی همچنان کار در ابتدای خود قرار دارد؛ ما اولی راهیم؛ ما ابتدای راهیم. اولاً باید نظام را از لحاظ مبانی معرفتی‌اش کامل کنیم. ثانیاً بنای نظام را باید بر اساس آن مبانی معرفتی کامل کنیم،

یعنی نظام اسلامی، دولت اسلامی و کشور اسلامی، هر کدام مترتب بر همدیگر است؛ این‌ها همه یکسان و یک چیز نیستند. تا کشور، اسلامی بشود، ما خیلی کار داریم. تا مکارم اخلاق اسلامی و دانشگاه اسلامی (همین توقعاتی که شما دارید و آرزوهای بلندی که به حق در نسل جوان ما هست) تحقق پیدا کند، راه طولانی‌ای داریم.»^۱

۱. بیانات در دیدار دانشجویان نمونه و نمایندگان تشکل‌های مختلف دانشجویی، ۲۵/ ۰۷/ ۱۳۸۵.

یک بخش مهمی از دنیاست. تشکیل یک

نظامی که معنویت، جزو بافت اصلی آن محسوب

می‌شود. این یک پدیده بسیار مهم و مورد نیاز

بشریت هم هست که مورد استقبال قرار گرفته است

و بیشتر هم خواهد شد. نظامی که بر اساس

تفکر و معرفت اسلامی بر سر کار بیاید؛

نظامی است که مسائل معنوی انسان، جزو

عناصر اصلی آن خواهد بود. خصوصیت

این نظام، این نیست که به مسائل مادی

توجه نخواهد کرد و هدفش را فقط معنویات

قرار خواهد داد، نه؛ این یک مغالطه و نشانه

غلط دادن است که در تبلیغات جهانی علیه

ما، این نشانه داده می‌شود. به هیچ وجه

این گونه نیست؛ بلکه معنای تشکیل چنین

نظامی، این است که عنصر گم‌شده از میان

بازگشت به معنویت

«جوانان عزیز! آنچه که امروز اتفاق افتاده

است، این نیست که یک دولتی در کشوری

با مواضع خاصی بر سر کار آمده، مثل اینکه

هر دولتی یا هر کشوری یک مواضع خاص

سیاسی دارد. مسئله ما و مسئله جمهوری

اسلامی این نیست، مسئله یک پدیده عظیم

و به تدریج توسعه‌یابنده و ریشه‌دواننده در

بشر، یعنی عنصر «معنویت» (که تحت تأثیر پنجه قدرتمندِ قدرتمندان عالم است) به زندگی بشریت برمی‌گردد. همچنانی که انسان به نان و هوا و غذا و صنعت و علم و پیشرفت و لذایذ زندگی نیازمند است، به ایمان و تقوا و پاکی و پاکدامنی و طهارت دل و نورانیت دل و مجذوب معارف الهی شدن هم نیازمند است؛ به اخلاق حسنه و مکارم اخلاقی هم نیازمند است. این بخش دوم را پنجه مؤثرِ قدرتمندان مادی دنیا، به تدریج از میان بشریت دور کردند؛ صد سال پیش مثل امروز نبوده، دویست سال پیش باز بهتر بوده است. این خاصیت یک نظام ویژه در وضع کنونی جهان است. این نظم موجود جهان (که از صد سال، صدوپنجاه سال،

دویست سال قبل قوت گرفته) اقتضائش همین بوده که دامن معنویت به تدریج از فضای زندگی انسان جمع بشود و این به ضرر بشریت تمام شده است. بشر به پیشرفت علمی نیازمند است، به اکتشافات پی‌درپی (همچنان که امروز بشر سرگرم این اکتشافات است و پیشرفت‌های شگفت‌آوری دارد) نیازمند است؛ اما در کنار معنویت. خوب، نظام اسلامی هم، آن نظامی است که می‌خواهد این عنصر گمشده از تمدن و حیات بشری را به محیط زندگی بشر برگرداند. این در بیان، کار آسانی است؛ اما در عمل، هم کار مشکلی است، هم معارضان خیلی گردن‌کلفتی دارد. همه کسانی که منفعت‌شان در دنیا با ایجاد جنگ همراه است، با این





مخالف‌اند؛ همه‌کسانی که کار و بارشان در دنیا با ترویج سکس سکه می‌شود، با این مخالف‌اند؛ همه کسانی که می‌خواهند سر رشته ثروت‌های حیاتی ملت‌ها را به دست گیرند، با این مخالف‌اند؛ همه کسانی که قدرت‌طلبی برایشان هدف اصلی است (در حکومت‌های کوچک و بزرگ دنیا) با این مخالف‌اند. یعنی معارضانِ گردن‌کلفتی دارد»^۱.

دولت اسلامی

«بعد از آن که نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می‌رسد؛ یا به تعبیر روشن‌تر، تشکیل

۱. بیانات در دیدار دانشجویان نمونه و نمایندگان
تشکل‌های مختلف دانشجویی، ۱۳۸۵/۰۷/۲۵.



ضوابط و شرایطی که متعلق به یک مسئول دولت اسلامی است، تطبیق کنند یا چنان افرادی - اگر هستند - سرکار بیایند، یا اگر ناقص‌اند، خودشان را به سمت کمال در آن جهت حرکت دهند و پیش ببرند. این مرحله سوم است که از آن تعبیر به ایجاد دولت اسلامی می‌کنیم. نظام اسلامی قبلاً آمده، اکنون دولت باید اسلامی شود. دولت به معنای عام، نه به معنای هیئت وزرا؛ یعنی قوای سه‌گانه، مسئولان کشور، رهبری و همه. مرحله چهارم - که بعد از این است - کشور اسلامی است. اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آن‌گاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد؛ عدالت مستقر خواهد شد؛ تبعیض از بین خواهد رفت؛ فقر به

منش و روش دولتمردان - یعنی ماها - به گونه اسلامی؛ چون این در وهله اول فراهم نیست. به تدریج و با تلاش باید به وجود آید. مسئولان و دولتمردان باید خودشان را با

تدریج ریشه‌کن می‌شود؛ عزّت حقیقی برای مردم به وجود می‌آید؛ جایگاهش در روابط بین‌الملل ارتقاء پیدا می‌کند؛ این می‌شود کشور اسلامی. از این مرحله که عبور کنیم، بعد از آن، دنیای اسلامی است. از کشور اسلامی می‌شود دنیای اسلامی درست کرد. الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می‌آید»^۱.

عملکرد اسلامی

«اسم ما که دولت اسلامی باشد، کافی نیست والا قبل از ما چند دولت جمهوری اسلامی دیگر در منطقه ما و آفریقا و جاهای دیگر وجود داشته و الان هم هست. قبل از انقلاب، در جایی دولتی تشکیل شد که ما شوخی می‌کردیم و می‌گفتیم جمهوری اسلامی امریکایی. فلان جا! آن دولت با نام جمهوری اسلامی هم بود. بنابراین اسم ما دولت اسلامی باشد، کافی نیست؛ باید عمل و جهت‌گیری ما اسلامی باشد. اگر در اینها اختلال پیدا شد، حرکت مستمر و مداوم و پویانده‌ای که لازم است تا دولت اسلامی به صورت کامل

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲.



هنوز اسلامی نشده ایم...

«ما در کدام مرحله ایم؟ ما در مرحله سوم ایم؛ ما هنوز به کشور اسلامی نرسیده ایم. هیچ کس نمی تواند ادعا کند که کشور ما اسلامی است. ما یک نظام اسلامی را طراحی و پایه ریزی کردیم - «ما»، یعنی همان هایی که کردند - و الان یک نظام اسلامی داریم که

شکل بگیرد، دچار نکث می شود و طبعاً کار عقب می افتد. البته دولت اسلامی کامل به معنای واقعی کلمه، در زمان انسان کامل تشکیل خواهد شد؛ ان شاء الله. خوشا به حال کسانی که آن روز را درک می کنند. همه ما انسان های ناقصی هستیم. ما به قدر توان و تلاش خود می خواهیم مجموعه کارگزاران حکومت را - که خودمان هم جزو آنها هستیم - به نقطه ای برسانیم که با نصاب جمهوری اسلامی تطبیق کند. ما می خواهیم خود را به حد نصاب نزدیک کنیم. اگر دولتی می آید و می گوید هدفم این است که این را تحقق ببخشم، خیلی چیز مبارک و خوبی است»^۱.

۱. بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت،

اصولش هم مشخص و مبنای حکومت در آن جا معلوم است. مشخص است که مسئولان چگونه باید باشند. قوای سه‌گانه وظایفشان معین است. وظایفی که دولت‌ها دارند، مشخص و معلوم است؛ اما نمی‌توانیم ادعا کنیم که ما یک دولت اسلامی هستیم؛ ما کم داریم. ما باید خودمان را بسازیم و پیش ببریم. ما باید خودمان را تربیت کنیم. البته اگر در رأس کار یک امام معصوم مثل امیرالمؤمنین (علیه السلام) باشد که قولش، فعلش و منشش الگوست، کار برای کارگزاران نظام آسان‌تر است؛ چون نسخه کامل را در اختیار دارند و در همه چیزش هدایت هست. وقتی آدمی مثل من در رأس کار باشد، البته کارِ کارگزاران مشکل‌تر است، ولی ثواب‌شان هم بیشتر

است. اگر توانستند در این راه حرکت کنند، اجر الهی‌شان بیشتر خواهد شد. هر کدام از شما تلاش کنید که برای این مسئولیت‌ها، خودتان را با الگوی اسلامی منطبق سازید؛ یعنی دین‌تان، تقوایتان، رعایت‌تان نسبت به حال مردم، رعایت‌تان نسبت به شرع، رعایت‌تان نسبت به بیت‌المال، اجتناب‌تان از خودخواهی‌ها و خودپرستی‌ها و رفیق‌بازی‌ها و قوم‌و خویش‌پرستی‌ها و اجتناب‌تان از تنبلی و بیکارگی و بی‌عملی و هوی و هوس و این چیزها مطابق با الگوی اسلام باشد. هر کدام از شما بتوانید در این زمینه‌ها کار خودتان را بکنید و پیش بروید و خودتان را بسازید، البته ثواب شما از آن کسی که در زمان امیرالمؤمنین (علیه السلام) این کار را می‌کرد، یقیناً

بیشتر است؛ چون او به امیرالمؤمنین (علیه السلام) نگاه می‌کرد و آن حضرت الگوی کامل بود؛ اما شما چنین کسی را ندارید که آن‌طور به او نگاه کنید و برایتان الگو باشد؛ لیکن ضوابط در دست همه ما هست و امروز همه‌مان وظیفه داریم»^۱.

مسیر پرفراز و نشیب

«از همان اوان کار، تلاش برای تشکیل دولت اسلامی شروع شد. بعضی‌ها می‌گویند شما بعد از ۲۷ سال می‌خواهید دولت اسلامی تشکیل دهید؟ نه، تلاش و اقدام برای تشکیل دولت اسلامی از روز اول شروع شد؛ منتها افت و خیز داشته؛ پیشرفت و عقب‌گرد داشته؛ در جاهایی موفق بودیم، در برهه‌ای موفق نبودیم. بعضی از ماها وسط راه پایمان لغزید؛ بعضی از ماها در اصل هدف مردد شدیم؛ بعضی از ماها نتوانستیم خود را نگه داریم؛ دلبسته به رفتارهای طاغوتی شدیم»^۲.

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲.

۲. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت،



شما در معاشرت‌مان، در رفتارمان، در طلب مال‌مان، در مجاهدت‌مان، نتوانستیم خود را به حد نصاب برسانیم، از آن دانشجو، از آن جوان بازاری، از آن عنصر در رده‌های پایین دولتی، از آن کارگر، از آن روستایی، از آن شهری چه توقعی می‌توانیم داشته باشیم که اسلامی عمل کنند؟ چرا مردم را بی‌خود ملامت می‌کنیم؟! نباید ملامت کنیم. اگر

کمبودی هست، خودمان را باید ملامت کنیم؛ «لوموا انفسکم». اول، ما اسلامی می‌شویم؛ وقتی اسلامی شدیم، «کونوا دعاة الناس بغير السنتکم»؛ آن وقت عمل ما، مردم را مسلمان واقعی خواهد کرد و کشور، اسلامی

لوموا انفسکم!

«من چهار پنج سال پیش همین‌جا در حسینیه این مطلب را با مجموعه کارگزاران مطرح کردم؛ گفتم انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی و بعد کشور اسلامی. اگر دولت ما اسلامی شد، آن وقت کشورمان اسلامی خواهد شد. اگر من و

۱. ابراهیم، ۲۲.

۲. کافی، ج ۲، ص ۷۸، ح ۱۴.



خواهد شد؛ هم احکام و مقررات اسلامی است، هم اجرا اسلامی است، هم دولتمردان اسلامی‌اند، هم مردم به تبع حال و به تبع دولتمردان از لحاظ اخلاقی اسلامی خواهند شد. البته شیطان نمی‌میرد؛ شیطان زنده است. همیشه عده‌ای، جریانی، مجموعه‌هایی هستند که تسلیم شیطان بشوند؛ اما شکل کلی، اسلامی خواهد شد»^۱.

خودسازی مسئولین

«ما مسئولین، باید خود را بسازیم؛ مرتب با خود کلنجار برویم؛ یکدیگر را به حق وصیت کنیم؛ یکدیگر را ارشاد کنیم؛ مثل آینه‌ای در مقابل یکدیگر، عیوب‌مان را صادقانه به هم نشان دهیم. بنا را بر رفع عیب بگذاریم و خود را روزبه‌روز بهتر کنیم. هر کس هم که جدیداً مسئولیت را بر عهده می‌گیرد، با این نیت و با این هدف مسئولیت را قبول کند که می‌خواهد برای خدمت به مردم، یک انسان صالح شود. آن وقت می‌شود تشکیل دولت اسلامی. قوای مقتنه و قضائیه و مجریه و مسئولان گوناگون ما باید بتوانند تا حد قابل

۱. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸.

قبولی خود را با این قالب‌ها و معیارهای دینی و اخلاقی اسلامی تطبیق دهند. این مرحله سوم است؛ ما الان در این مرحله قرار گرفته‌ایم و باید دائم تلاش ما این باشد. اگر نماینده مجلسیم، اگر عضو دولتی، اگر از مسئولین قضایی هستیم، اگر روحانی هستیم، هر کجا قرار داریم، اولین و مهم‌ترین وظیفه را اصلاح کار خود بدانیم؛ چون اصلاح شخص ما، صرفاً اصلاح شخص نیست؛ ما منشأ اثریم و یک کلمه حرف و یک امضاء و یک تصمیم‌گیری من و شما در جامعه تأثیر می‌گذارد. ما اگر خود را اصلاح کردیم، جامعه را اصلاح کرده‌ایم»^۱.

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۲۱/۰۹/۱۳۸۰.

جامعه اسلامی

«ما ملت مسلمانی هستیم. این ملت، با اراده راسخ عمومی توانسته است یک نظام مطابق با ایمان و اعتقاد خود را در این کشور سرکار بیاورد. هدف این نظام چیست؟ هدف این ملت چه بود؟ هدف این بود که این کشور با این نظام بتواند از همه خوبی‌ها و پیشرفت‌ها و خیرات و برکاتی که خدای متعال به ملت‌های مؤمن وعده داده است، برخوردار شود؛ یعنی یک کشور اسلامی بشود. کشور اسلامی یعنی کشوری که اسلام حیات بخش، اسلام نشاط‌آور، اسلام تحرک‌آفرین، اسلام بدون کج‌اندیشی و تحجر و انحراف، اسلام بدون

التقاط، اسلام شجاعت بخش به انسان‌ها و اسلام هدایت کننده انسان‌ها به سوی علم و دانش بر آن حاکم است؛ اسلامی که با همان شکلی که در قرن اول اسلامی به آن عمل شد، توانست یک مجموعه پراکنده را به اوج تمدن تاریخی و جهانی برساند و تمدن و دانش او بر دنیا سیطره پیدا کند. سیطره و تسلط علمی به دنبال خود عزت سیاسی هم می‌آورد؛ رفاه اقتصادی هم می‌آورد؛ فضایل اخلاقی هم می‌آورد؛ اگر کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی شود»^۱.

آمیختگی دنیا و آخرت

«آن کشور و جامعه‌ای که مورد نظر اسلام است، باید هم از لحاظ مادی و هم از لحاظ معنوی، پیشرو باشد. کشور ما از لحاظ مادی باید در آن، علم و تجربه و فناوری در سطوح بالا قرار بگیرد. از لحاظ ساخت و ارتباطات اجتماعی مردم در زمینه اقتصاد و بقیه موارد، ارتباط مردم با یکدیگر، باید ارتباطات سالم، قوی و نشان‌دهنده پیشرفت و شکوفایی باشد؛ باید استعدادها در آن جامعه بشکفت. همه انسان‌ها بتوانند در آن با توان خداداده خود در پیشبرد اهداف زندگی، به یکدیگر کمک و باهم همکاری کنند. در آن جامعه باید عدالت اجتماعی باشد. عدالت به معنای یکسان بودن همه برخورداری‌ها نیست؛

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۲۸/۰۵/۱۳۸۴.

به معنای یکسان بودن فرصت‌هاست؛ یکسان بودن حقوق است. همه باید بتوانند از فرصت‌های حرکت و پیشرفت بهره‌مند شوند. باید سرپنجه عدالت گریبان ستمگران و متجاوزان از حدود را بگیرد و مردم به این، اطمینان پیدا کنند. در چنین جامعه‌ای، معنویت و اخلاق هم باید به قدر حرکت پیش‌رونده مادی، پیشرفت کند. دل‌های مردم با خدا و معنویات آشنا بشود. انس با خدا، انس با عالم معنا، ذکر الهی و توجه به آخرت در یک چنین جامعه‌ای بایستی رایج شود. اینجاست که آن خصوصیت استثنایی جامعه و تمدن اسلامی، خود را نشان می‌دهد؛ ترکیب و آمیختگی دنیا و آخرت باهم.^۱

۱. بیانات در دیدار مردم شاهرود، ۲۰/۰۸/۱۳۸۵.

سبک‌زندگی

باید آسیب‌شناسی کنیم؛ یعنی توجه به آسیب‌هایی که در این زمینه وجود دارد و جستجو از علل این آسیب‌ها.... چرا فرهنگ کار جمعی در جامعه ما ضعیف است؟ این یک آسیب است. با اینکه کار جمعی را غربی‌ها به اسم خودشان ثبت کرده‌اند، اما اسلام خیلی قبل از این‌ها گفته است: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى»^۲ یا «واعتصموا بحبل الله جميعاً»؛^۳ یعنی حتی اعتصام به حبل الله هم باید دسته جمعی باشد؛ «ولا تفرقوا» چرا در برخی از بخش‌های کشورمان طلاق زیاد است؟

۲. مائده، ۲.

۳. آل عمران، ۱۰۳.

چرا در برخی از بخش‌های کشورمان روی آوردن جوان‌ها به مواد مخدر زیاد است؟ چرا در روابط همسایگی‌مان رعایت‌های لازم را نمی‌کنیم؟ چرا صلح رحم در بین ما ضعیف است؟ چرا در زمینه فرهنگ رانندگی در خیابان، ما مردمان منضبطی به طور کامل نیستیم؟ این آسیب است. رفت و آمد در خیابان، یکی از مسائل ماست، مسئله کوچکی هم نیست، مسئله اساسی است. آباژتمان نشینی چقدر برای ما ضروری است؟ چقدر درست است؟ چه الزاماتی دارد که باید آن‌ها را رعایت کرد؟ چقدر آن الزامات را رعایت می‌کنیم؟ الگوی تفریح سالم چیست؟ نوع معماری در جامعه ما چگونه است؟ ببینید چقدر این مسائل متنوع فراگیر همه

بخش‌های زندگی، داخل در این مقوله سبک زندگی است؛ در این بخش اصلی و حقیقی و واقعی تمدن، که رفتارهای ماست. چقدر نوع معماری کنونی ما متناسب با نیازهای ماست؟ چقدر عقلانی و منطقی است؟ طراحی لباس‌مان چگونه؟ مسئله آرایش در بین مردان و زنان چگونه؟ چقدر درست است؟ چقدر مفید است؟ آیا ما در بازار، در ادارات، در معاشرت‌های روزانه، به همدیگر به طور کامل راست می‌گوییم؟ در بین ما دروغ چقدر رواج دارد؟ چرا پشت سر یکدیگر حرف می‌زنیم؟ بعضی‌ها با داشتن توان کار، از کار می‌گریزند؛ علت کارگری چیست؟ در محیط اجتماعی، برخی‌ها پرخاشگری‌های بی‌مورد می‌کنند؛ علت پرخاشگری و بی‌صبری و

نابرداری در میان بعضی از ماها چیست؟ حقوق افراد را چقدر مراعات می‌کنیم؟ در رسانه‌ها چقدر مراعات می‌شود؟ در اینترنت چقدر مراعات می‌شود؟ چقدر به قانون احترام می‌کنیم؟ علت قانون‌گریزی - که یک بیماری خطرناکی است - در برخی از مردم چیست؟ وجدان کاری در جامعه چقدر وجود دارد؟ انضباط اجتماعی در جامعه چقدر وجود دارد؟ محکم‌کاری در تولید چقدر وجود دارد؟ تولید کیفی در بخش‌های مختلف، چقدر مورد توجه و اهتمام است؟ چرا برخی از حرف‌های خوب، نظرهای خوب، ایده‌های خوب، در حد رؤیا و حرف باقی می‌ماند؟ چرا به ما می‌گویند که ساعات مفید کار در دستگاه‌های اداری ما کم است؟

هشت ساعت کار باید به قدر هشت ساعت فایده داشته باشد؛ چرا به قدر یک ساعت یا نیم ساعت یا دو ساعت؟ مشکل کجاست؟ چرا در بین بسیاری از مردم ما مصرف‌گرایی رواج دارد؟ آیا مصرف‌گرایی افتخار است؟ مصرف‌گرایی یعنی اینکه ما هرچه گیر می‌آوریم، صرف امور می‌کنیم که جزو ضروریات زندگی ما نیست. چه کنیم که ریشه ربا در جامعه قطع شود؟ چه کنیم که حق همسر - حق زن، حق شوهر - حق فرزندان رعایت شود؟ چه کنیم که طلاق و فروپاشی خانواده، آنچنان که در غرب رائج است، در بین ما رواج پیدا نکند؟ چه کنیم که زن در جامعه‌ی ما، هم کرامتش حفظ شود و عزت خانوادگی‌اش محفوظ بماند،

هم بتواند وظائف اجتماعی‌اش را انجام دهد، هم حقوق اجتماعی و خانوادگی‌اش محفوظ بماند؟ چه کنیم که زن مجبور نباشد بین این چند تا، یکی‌اش را انتخاب کند؟ این‌ها جزو مسائل اساسی ماست. حد زاد و ولد در جامعه ما چیست؟ من اشاره کردم؛ یک تصمیم‌زماندار و نیاز به زمان و مقطعی را انتخاب کردیم، گرفتیم، بعد زمانش یادمان رفت! مثلاً فرض کنید به شما بگویند آقا این شیر آب را یک ساعت باز کنید. بعد شما شیر را باز کنی و بروی! ماها رفتیم، غافل شدیم؛ ده سال، پانزده سال. بعد حال به ما گزارش می‌دهند که آقا جامعه ما در آینده نه چندان دوری، جامعه پیر خواهد شد؛ این چهره جوانی که امروز جامعه ایرانی دارد، از

او گرفته خواهد شد. حد زاد و ولد چقدر است؟ چرا در بعضی از شهرهای بزرگ، خانه‌های مجردی وجود دارد؟ این بیماری غربی چگونه در جامعه ما نفوذ کرده است؟ تجمل‌گرایی چیست؟ بد است؟ خوب است؟ چقدرش بد است؟ چقدرش خوب است؟ چه کار کنیم که از حد خوب فراتر نرود، به حد بد نرسد؟ این‌ها بخش‌های گوناگونی از مسائل سبک زندگی است و ده‌ها مسئله از این قبیل وجود دارد؛ که بعضی از این‌هایی که من گفتم، مهم‌تر است. این یک فهرستی است از آن چیزهایی که متن تمدن را تشکیل می‌دهد. قضاوت درباره یک تمدن، مبتنی بر این‌هاست.»^۱

۱. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی،



تمدن اسلامی

«آرمان نظام جمهوری اسلامی را می‌شود در جمله

کوتاه «ایجاد تمدن اسلامی» خلاصه کرد. تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است

برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزّت‌مندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این؛ هدف نظام جمهوری اسلامی و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است»^۱.

۱. بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۴/۰۶/۱۳۹۲.

رهایی از جهان بینی مادی

«امت اسلامی با همه ابعاد خود در قالب ملت‌ها و کشورها، باید به جایگاه تمدنی مطلوب قرآن دست یابد. شاخصه اصلی و عمومی این تمدن، بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی‌ای است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. آرایش ظاهری این تمدن را در حکومت مردمی، در قوانین برگرفته از قرآن، در اجتهاد و پاسخگویی به نیازهای نوبه‌نوی بشر، در پرهیز از تحجر و ارتجاع و نیز بدعت و التقاط، در ایجاد رفاه و ثروت عمومی، در استقرار عدالت، در خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه‌خواری و ربا و تکاثر، در گسترش اخلاق انسانی، در دفاع از مظلومان عالم و در تلاش و کار



و ابتکار، می‌توان و باید مشاهده کرد. نگاه
اجتهادی و عالمانه به عرصه‌های گوناگون،
از علوم انسانی تا نظام تعلیم و تربیت رسمی و
از اقتصاد و بانکداری تا تولید فنی و فناوری
و از رسانه‌های مدرن تا هنر و سینما و تا
روابط بین‌الملل و غیره و غیره، همه از لوازم
این تمدن‌سازی است.

تجربه نشان داده است که این‌ها همه،
کارهای ممکن و در دسترس توانایی‌های
جوامع ما است. نباید با نگاه شتاب‌زده یا
بدبینانه به این چشم‌انداز نگریم. بدینی
به توانایی‌های خود، کفران نعمت الهی است
و غفلت از امداد الهی و کمک سنت‌های
آفرینش، فرو لغزیدن به ورطه: «الطَّائِفِينَ
بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءُ»^۱ است.

۱. فتح، ۶.

ما می‌توانیم حلقه انحصارات علمی و
اقتصادی و سیاسی قدرت‌های سلطه‌گر
را بشکنیم و امت اسلامی را پیشرو احقاق
حق اکثریت ملت‌های جهان که اینک مقهور
اقلیت مستکبرند، باشیم.

تمدن اسلامی می‌تواند با شاخصه‌های ایمان
و علم و اخلاق و مجاهدت مداوم، اندیشه
پیشرفته و اخلاق والا را به امت اسلامی
و به همه بشریت هدیه دهد و نقطه‌رهایی
از جهان‌بینی مادی و ظالمانه و اخلاقی
به لجن کشیده‌ای که ارکان تمدن امروزی
غرب‌اند، باشد»^۲.

۲. بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی،

۱۳۹۲/۰۲/۰۹.

پیشرفت همه جانبه

«پیشرفت دارای ابعادی است و پیشرفت در مفهوم اسلامی، با پیشرفت یک بُعدی یا دو بُعدی در فرهنگ غربی متفاوت است؛ چند بُعدی است... ما اگر پیشرفت همه جانبه را به معنای تمدن سازی نوین اسلامی بگیریم - بالاخره يك مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی وجود دارد؛ اینجور

بگوییم که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد يك تمدن نوین اسلامی است؛ این محاسبه درستی است - این تمدن نوین دو بخش دارد: يك بخش، بخش ابزاری است؛ يك بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. به هر دو بخش باید رسید.

آن بخش ابزاری چیست؟ بخش ابزاری عبارت است از همین ارزش هایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ این ها همه بخش ابزاری تمدن است؛ وسیله است. البته ما در این بخش در کشور پیشرفت خوبی داشته ایم. کارهای زیاد و خوبی شده است. هم در زمینه سیاست،

هم در زمینه مسائل علمی، هم در زمینه مسائل اجتماعی، هم در زمینه اختراعات و از این قبیل، الی ماشاء الله در سرتاسر کشور انجام گرفته است. در بخش ابزاری، علی رغم فشارها و تهدیدها و تحریم‌ها و این چیزها، پیشرفت کشور خوب بوده است.

اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد؛ که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله خط، مسئله زبان، مسئله کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما

در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مأمور دولت، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ این‌ها آن بخش‌های اصلی تمدن است که متن زندگی انسان است. تمدن نوین اسلامی - آن چیزی که ما می‌خواهیم عرضه کنیم - در بخش اصلی، از این چیزها تشکیل می‌شود؛ این‌ها متن زندگی است؛ این همان چیزی است که در اصطلاح اسلامی به آن می‌گویند: عقل معاش. عقل معاش، فقط به معنای پول در آوردن و پول خرج کردن

نیست که چگونه پول در بیاوریم، چگونه پول خرج کنیم؛ نه، همه این عرصه وسیعی که گفته شد، جزو عقل معاش است. در کتب حدیثی اصیل و مهم ما ابوابی وجود دارد به نام «کتاب العشرة»؛ آن کتاب العشرة درباره همین چیزهاست. در خود قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که ناظر به این چیزهاست.

خوب، می‌شود این بخش را به منزله بخش نرم‌افزاری تمدن به حساب آورد و آن بخش اول را، بخش‌های سخت‌افزاری به حساب آورد. اگر ما در این بخشی که متن زندگی است، پیشرفت نکنیم، همه پیشرفت‌هایی که در بخش اول کردیم، نمی‌تواند ما را رستگار کند، نمی‌تواند به ما امنیت و آرامش روانی

ببخشد؛ همچنان که می‌بینید در دنیای غرب نتوانسته. در آنجا افسردگی هست، ناامیدی هست، از درون به هم ریختن هست، عدم امنیت انسان‌ها در اجتماع و در خانواده هست، بی‌هدفی و پوچی هست؛ با اینکه ثروت هست، بلب‌اتم هست، پیشرفت‌های گوناگون علمی هست، قدرت نظامی هم هست»^۱.

۱. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳.

آسیب‌شناسی

«اصل قضیه این است که ما بتوانیم متن زندگی را، این بخش اصلی تمدن را اصلاح کنیم. البته در انقلاب، در این بخش، پیشرفت ما چشم‌گیر نیست؛ در این زمینه، ما مثل بخش اول حرکت نکردیم، پیشرفت نکردیم. خب، باید آسیب‌شناسی کنیم؛ چرا ما در این بخش پیشرفت نکردیم؟! بعد از آن که علت‌ها را پیدا کردیم، آن وقت بپردازیم به این که چگونه می‌توانیم این‌ها را علاج کنیم. این‌ها به عهده کیست؟ به عهده نخبگان - نخبگان

فکری، نخبگان سیاسی - به عهده شما، به عهده جوان‌ها. اگر در محیط اجتماعی ما گفتمانی به وجود بیاید که ناظر به رفع آسیب‌ها در این زمینه باشد، می‌توان مطمئن بود با نشاطی که نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران دارند، با استعدادی که وجود دارد، ما در این بخش پیشرفت‌های خوبی خواهیم کرد؛ آن وقت درخشندگی ملت ایران در دنیا و گسترش اندیشه اسلامی ملت ایران و انقلاب اسلامی ایران در دنیا آسان‌تر خواهد شد. باید آسیب‌شناسی کنید و بعد علاج کنید»^۱.

۱. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۷/۰۷/۲۳.



جایگاه ایدئولوژی در تمدن سازی

باشد، می‌تواند فاشیسم باشد، می‌تواند هم
توحید ناب باشد؛ بالاخره به يك چیزی باید
ایمان داشت، اعتقاد داشت، به دنبال این
ایمان و اعتقاد پیش رفت.
مسئله ایمان، مهم است. ایمان به يك اصل،
ایمان به يك لنگرگاه اصلی اعتقاد؛ يك چنین
ایمانی باید وجود داشته باشد. بر اساس این
ایمان، سبك زندگی انتخاب خواهد شد.

«يك نقطه اصلی وجود دارد و آن، ایمان است. يك هدفی را باید ترسیم کنیم - هدف زندگی را - به آن ایمان پیدا کنیم. بدون ایمان، پیشرفت در این بخش ها امکان پذیر نیست؛ کار درست انجام نمی گیرد. حال آن چیزی که به آن ایمان داریم، می تواند لیبرالیسم باشد، می تواند کاپیتالیسم باشد، می تواند کمونیسم

در اینجا يك مغالطه‌ای وجود دارد که من برای شما جوان‌ها عرض بکنم: چند تا فیلسوف‌نمای غربی عنوان «ایدئولوژی‌زدایی» را مطرح کردند. می‌بینید گاهی در بعضی از این مقالات روشنفکری، عنوان «ایدئولوژی‌زدایی» مطرح می‌شود: آقا جامعه را با ایدئولوژی نمی‌شود اداره کرد. چند تا فیلسوف یا فیلسوف‌نمای غربی این را گفته‌اند؛ يك عده‌ای هم اینجا طوطی‌وار، بدون اینکه عمق این حرف را درك کنند، بدون اینکه ابعاد این حرف را بفهمند چیست، همان را تکرار کردند، باز هم تکرار می‌کنند. هیچ ملتی که داعیه تمدن‌سازی دارد، بدون ایدئولوژی نمی‌تواند حرکت کند و تا امروز حرکت نکرده است. هیچ ملتی بدون دارا

بودن يك فكر و يك ایدئولوژی و يك مكتب نمی‌تواند تمدن‌سازی کند. همین‌هایی که امروز شما ملاحظه می‌کنید در دنیا تمدن مادی را به وجود آورده‌اند، این‌ها با ایدئولوژی وارد شدند؛ صریح هم گفتند؛ گفتند ما کمونیست‌ایم، گفتند ما کاپیتالیست‌ایم، گفتند ما به اقتصاد سرمایه‌داری اعتقاد داریم. مطرح کردند، به آن اعتقاد ورزیدند، دنبالش کار کردند؛ البته زحماتی هم متحمل شدند، هزینه‌ای هم بر دوش آن‌ها گذاشته شد.

بدون داشتن يك مكتب، بدون داشتن يك فكر و يك ایمان و بدون تلاش برای آن و پرداختن هزینه‌های آن،

تمدن‌سازی امکان ندارد»^۱.

۱. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۷/۰۷/۲۳.

ذلت تقلید

«البته بعضی از کشورها مقلدند از غرب، از سازندگان تمدن مادی. يك چیزی را گرفته‌اند، زندگی خودشان را بر اساس آن شکل داده‌اند. بله، این‌ها ممکن است به يك پیشرفت‌هایی هم برسند، به يك پیشرفت‌های صوری و سطحی هم می‌رسند، اما مقلدند. این‌ها تمدن‌ساز نیستند. این‌ها بی‌ریشه و آسیب‌پذیرند؛ اگر چنانچه يك طوفانی به وجود بیاید، این‌ها از بین خواهند رفت؛ چون ریشه‌دار نیستند. علاوه بر اینکه کار آن‌ها تقلید است و تقلید پدرشان را در می‌آورد، برخی از منافع تمدن مادی غرب

گیرشان می‌آید و بسیاری‌اش گیرشان نمی‌آید، اما همه زیان‌های آن‌ها گیرشان می‌آید.

من نمی‌خواهم از کشورها اسم بیاورم. بعضی از کشورها هستند که رشد اقتصادی آن‌ها به عنوان يك الگو، در گفتار و نوشتار برخی از روشنفکران ما مطرح می‌شود. بله، ممکن است آن‌ها به يك صنعتی هم دست پیدا کرده باشند، پیشرفتی هم در زمینه مادی یا در زمینه علم و صنعت کرده باشند، اما اولاً مقلدند؛ ذلت تقلید و فرودستی تقلید، روی پیشانی آن‌ها حک شده؛ علاوه بر این، همه آسیب‌های تمدن کنونی مادی غرب را آن‌ها دارند، ولی اکثر منافعش را ندارند»^۱.

۱. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳.

جامعه توحیدی

«امروز این تمدن مادی غرب دارد نشان می‌دهد مشکلاتی را که برای بشریت و برای پیروان خودش به وجود آورده. پس بدون مکتب و بدون ایدئولوژی نمی‌توان يك تمدن را به وجود آورد؛ احتیاج به ایمان است. این تمدن دارای علم خواهد بود، دارای صنعت هم خواهد بود، دارای پیشرفت هم خواهد بود و این مکتب، هدایت‌کننده و اداره‌کننده همه این‌ها خواهد شد. آن که مکتب توحید را مبنای کار خودش قرار می‌دهد، آن جامعه‌ای که به دنبال توحید حرکت می‌کند، همه این خیراتی را که متوقف بر تمدن‌سازی است، به دست خواهد آورد؛

يك تمدن بزرگ و عمیق و ریشه‌دار خواهد ساخت و فکر و فرهنگ خودش را در دنیا گسترش خواهد داد. بنابراین، این مطلب اول، که احتیاج به ایمان است. کشاندن جامعه به بی‌ایمانی، یکی از همان توطئه‌هایی است که دشمنان تمدن‌سازی اسلامی دنبال آن بوده‌اند و الان هم با شدت این را دارند دنبال می‌کنند»^۱.

۱. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۷/۰۷/۲۳.



بدون آرمان

«جامعه بدون آرمان، بدون مکتب، بدون ایمان، ممکن

است به ثروت برسد، به قدرت برسد، اما آن وقتی هم

که به ثروت و قدرت برسد، تازه می شود يك حيوان

سیرو قدرتمند - و ارزش انسان گرسنه از حیوان

سیر بیشتر است - اسلام این را نمی خواهد.

اسلام طرفدار انسانی است که هم برخوردار

باشد، هم قدرتمند باشد و هم شاکر و بنده

خدا باشد؛ جبهه عبودیت بر خاک بساید.

انسان بودن، قدرتمند بودن و بنده خدا و عبد

خدا بودن؛ این آن چیزی است که اسلام

می خواهد؛ می خواهد انسان بسازد، الگوی

انسان سازی است»^۱.

۱. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی،

انقلابی در مقیاس جهانی

«قضیه بنای یک نظام و تمدن اسلامی و یک تاریخ جدید، قضیه‌ای جدی است. آن را جدی بگیرید. یک وقت در کشوری، یکی کودتا می‌کند و نظامی بر سرکار می‌آید. آن نظام، چند صباحی هست، بعد هم می‌رود - یا یکی دیگر از او تحویل می‌گیرد - و همه چیز به حال اول برمی‌گردد. یک وقت قضیه این‌گونه است و این همه نقل ندارد. آنچه در ایران اتفاق افتاد، مسأله یک حرکت عظیم در مقیاس جهانی است. ما البته یک ملت‌ایم؛ مرزهایمان هم، مرزهای محدودی است. بیرون از این مرزها هم کاری نداریم. به این نکته

توجه داشته باشید. تلاش و فعالیت ما در داخل

مرزهای خودمان است. اما این انقلاب، محدود به این

مرزها نیست. این پیام یک پیام جهانی بود.

دلیلش چیست؟ دلیل این است که وقتی ملت ایران و رهبر عظیم‌الشأن ما - امام بزرگوار - این کار را انجام دادند، مسلمانان در هر جای دنیا که بودند، احساس کردند نوروز آنهاست. روز نو آنها آغاز شد؛ با این‌که به آنها ربطی نداشت. در همه جای دنیا احساس کردند مقطع جدیدی در تاریخشان به وجود آمد. این را ما از نزدیک دیدیم. خود من این واقعیت را در طول سال‌های گذشته در کشورهای دیگر از نزدیک لمس کرده‌ام و از ده‌ها زبان دیگر هم شنیده‌ام. این‌ها روایت و حدس و تحلیل نیست. واقعیات است. هر



وعدۀ الهی

من با اطمینان کامل می‌گویم: این هنوز آغاز

کار است، و تحقق کامل وعدۀ الهی یعنی پیروزی

حق بر باطل و بازسازی امت قرآن و تمدن نوین

کسی، هر مسلمانی، هر جای دنیا بود، وقتی این انقلاب پیروز شد، وقتی امام در صحنه ظاهر شدند، وقتی پرچم اسلام و لا اله الا الله بالا رفت، احساس کرد که پیروز شده است. از این خیل عظیم یک میلیاردی در سراسر دنیا، بعضی این احساس را تداوم دادند، دنبالش راه افتادند و مبارزه کردند، شد همین حوادثی که در کشورهای گوناگون به وسیله نهضت‌های اسلامی راه افتاد. بعضی هم‌رها کردند. اگرچه ما در مرزهای خودمان هستیم و به بیرون مرزها کاری نداریم، اما این پیام، پیام بین‌المللی و جهانی است. امروز هم این‌جا، بارِ آن روی دوش شماست»^۱.

۱. بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۷۳/۰۸/۱۱.



اسلامی در راه است: «وَعَدَ اللَّهُ

الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا

الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ

فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ

دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ

مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي

لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ

ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^۱

نشانه این وعده تخلف ناپذیر در اولین

و مهم‌ترین مرحله، پیروزی انقلاب اسلامی

در ایران و بنای بلندآوازه نظام اسلامی بود

که ایران را به پایگاه مستحکمی برای اندیشه

حاکمیت و تمدن اسلامی تبدیل کرد. سر بر

آوردن این پدیده معجزه‌آسا، درست در اوج

هیاهوی مادی‌گری و اسلام‌ستیزی چپ

و راست فکری و سیاسی و آنگاه مقاومت

و استحکام آن در برابر ضربات سیاسی و

نظامی و اقتصادی و تبلیغاتی که از همه سو

نواخته می‌شد، در دنیای اسلام امیدی تازه

برانگیخت و شوری در دل‌ها پدید آورد. هر

چه زمان گذشته، این استحکام، به حول

و قوه الهی - بیشتر و آن امید ریشه‌دارتر

شده است. در طول سه دهه‌ای که بر

این ماجرا می‌گذرد، خاورمیانه و کشورهای

مسلمان آسیا و آفریقا، صحنه این هم‌اوردی

پیروزمندانه است»^۲.

۲. پیام به کنگره عظیم حج، ۱۷/ ۰۹/ ۱۳۸۷.

۱. نور، ۵۵.



اساساً هر حرکت، پدیده، سازمان، فرد و یا جامعه‌ای بخواهد به توفیقاتی دست پیدا کند، لازمه‌اش این است که یک تصویر روشنی از آن نقطه غایی که می‌خواهد به آن برسد، داشته باشد که در ادبیات مدیریت استراتژیک به آن چشم‌انداز گفته می‌شود. با اینکه گاه به نظر می‌رسد چشم‌انداز، دست‌نیافتنی است، اما همچون افق بلند به تمام مناسبات - در همان سطحی که اشاره شد - جهت می‌بخشد، همه توان‌ها را هم‌سو می‌کند و نوعی هم‌افزایی برای دستیابی به آن هدف ایجاد می‌کند. انقلاب اسلامی نیز از

**گفتاری توضیحی از دکتر
فرزاد جهان‌بین پیرامون
زنجیره تکامل انقلاب اسلامی
در فرمایشات رهبر معظم انقلاب مِنَ ظِلِّهِ**



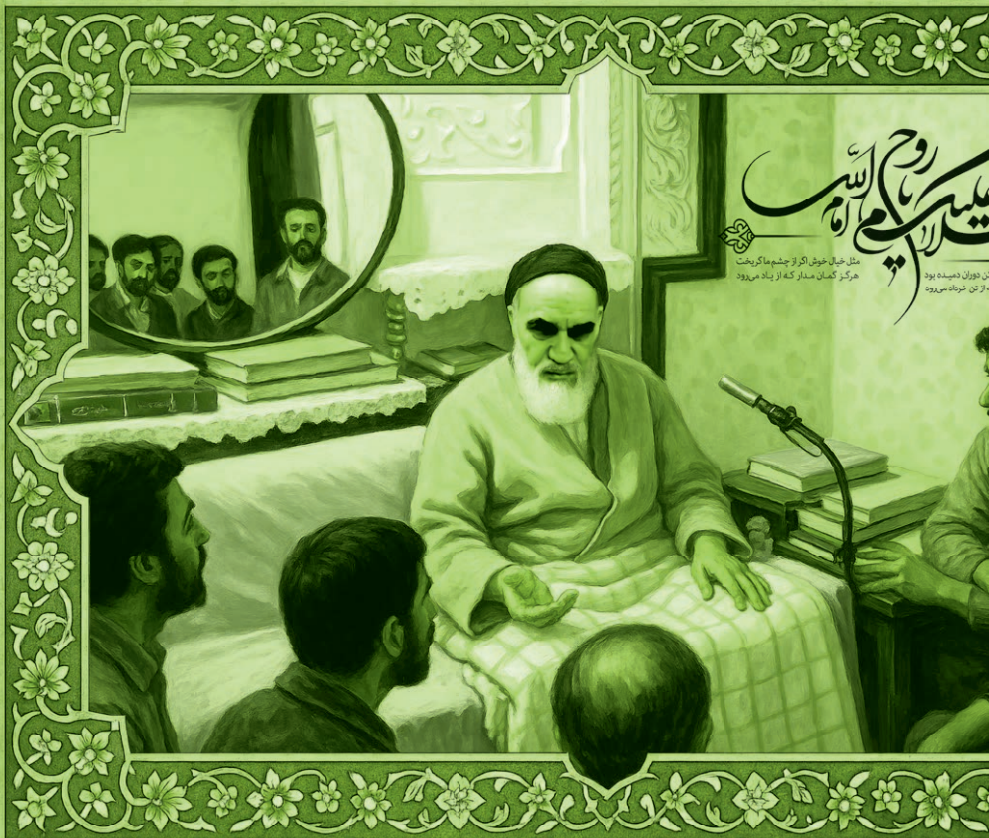
بررسی قرار داد؛ چرا که این سند به عنوان متن و سند بالادستی که بر تمامی اسناد دیگر اشراف دارد، در اختیار ماست. در واقع، این انقلاب به نظامی در قالب جمهوری اسلامی تبدیل شده و مناسبات این نظام در قانون اساسی تبیین شده است.

این قاعده مستثنی نیست. بنابراین اگر بخواهیم تحلیلی درست از انقلاب اسلامی داشته باشیم، باید هم مأموریت و چرایی وقوع این انقلاب را مورد توجه قرار دهیم و هم چشم اندازی را که می خواست به آن برسد، تحلیل کنیم. آن گاه می توانیم ببینیم که بین نقطه مبدأ، یعنی مأموریت انقلاب و مقصد غایی آن، یعنی چشم انداز مورد نظر، نقشه راه چگونه باید ترسیم شود و چه راهبردهایی برای پیمودن این مسیر لازم است.

بهترین مفسر انقلاب

بهترین کسی که می تواند درباره چیستی و چرایی انقلاب و مأموریت آن سخن بگوید، شخص حضرت امام رحمته الله علیه، به عنوان بنیانگذار و معمار کبیر انقلاب اسلامی است. البته در مرحله بعد، می توان تجربه قانون اساسی را نیز مورد

سید روح الله
 علی خامنه‌ای
 من خالق خویشم اگر چه چشم‌ها را زبخت
 هرگز گدیان خدا را که از یاد می‌روند
 من دوران دلبسته بودم
 و از تن خردم می‌روم



هدف انقلاب در کلام امام علیه السلام

امام علیه السلام در تعابیر متعددی فرموده‌اند که هدف از انقلاب اسلامی، صرفاً برکناری یک رژیم و جایگزینی رژیم دیگر نیست، بلکه مسئله اصلی این بوده که این انقلاب در پی نشر توحید در عالم؛ یعنی به اهتزاز درآوردن پرچم «لا اله الا الله» در سراسر جهان است. ایشان در تعبیر دیگری می‌فرمایند: این انقلاب آماده است تا ظهور حضرت حجت علیه السلام را تمهید کند. بنابراین، این انقلاب محدود به یک جغرافیای خاص نیست، بلکه پدیده‌ای تاریخی و تاریخ‌ساز است. چنین نیست که رویدادی در زمانی معین و در گوشه‌ای از جهان رخ داده و به پایان رسیده باشد.

حضرت امام علیه السلام می‌فرمایند: وقتی هدف، طرح‌ریزی یک نظام و زندگی بر مبنای دین می‌شود، طبیعی است که محرومیت‌ها، فشارها، گرسنگی‌ها و شهادت‌ها به همراه دارد و چون مردم ما این راه را با افتخار برگزیده‌اند، آن را تحمل می‌کنند. همچنین به مسئولان توصیه می‌کنند که پرداختن به جنبه‌های مادی و سخت‌افزاری نظام - هرچند ضروری است - آنان را از توجه به حقیقت و روح نظام باز ندارد. همچنین ایشان در تعبیر دیگری می‌فرمایند: «البته ما این واقعیت و حقیقت رادر سیاست خارجی و بین‌الملل اسلامی مان بارها اعلام نموده‌ایم که در صدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهان‌خواران

بوده و هستیم. حال اگر نوکران امریکا نام این سیاست را توسعه‌طلبی و تفکر تشکیل امپراتوری بزرگ می‌گذارند، از آن باکی نداریم و استقبال می‌کنیم.»

فصلی‌نو

برخی از رهیافت‌های پیش از انقلاب - مانند رهیافت‌های اقتصادی و سیاسی - پس از وقوع انقلاب، در تحلیل آن ناکارآمد شدند و بسیاری از نظریه‌پردازان مجبور گشتند که دیدگاه‌های خود را بازسازی نمایند؛ در واقع، موج جدیدی از نظریه‌پردازی برای تحلیل انقلاب اسلامی شکل گرفت. در این موج جدید، وزن ویژه و بی‌سابقه‌ای به حوزه

فرهنگی و دینی داده شد که پیش از آن وجود نداشت.

رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: انقلاب اسلامی برای مسلمانان یک روز نو بود و عصر جدیدی را برای آنان رقم زد. برخلاف نظر بعضی‌ها که معتقدند

انقلاب اسلامی رویدادی بود که پایان یافت، عده‌ای آن را سرآغاز عصری تازه می‌دانند که در آن، نظام جمهوری اسلامی رسالت



تحقق آرمان‌های انقلاب را بر عهده دارد. این بحثی است که امروزه در داخل کشور نیز شاهد آن هستیم و جریان‌های فکری مختلفی حول این دو دیدگاه شکل گرفته‌اند. ایشان در جای دیگری تأکید می‌کنند: این انقلاب صرفاً یک رویداد جغرافیایی و زمانی محدود نبود، بلکه یک واقعه تاریخی به شمار می‌رود. همچنین در تعبیری دیگر می‌فرمایند: اگر بخواهیم خط کلی نظام اسلامی را بیان کنیم، آن خط، چیزی جز تحقق تمدن اسلامی نیست؛ به عبارت روشن‌تر، رسالت انقلاب، محقق ساختن آن تمدن نوین و بزرگ اسلامی است. در این انقلاب، مسائل اقتصادی و سیاسی بی‌تأثیر نبوده‌اند، اما علت اصلی به شمار نمی‌روند.

خواست مردم

با تحلیل شعارهای دوران انقلاب، به وضوح مشخص می‌شود که اصلی‌ترین و محوری‌ترین خواسته‌های مردم، معطوف به مسائل فرهنگی و اعتقادی بوده است. هرچند مسائل سیاسی و اقتصادی نیز از اهمیت برخوردار بودند، اما این دغدغه‌ها در رده‌های بعدی قرار می‌گرفتند. مأموریت اصلی انقلاب اسلامی که در شعار محوری آن نیز تبلور یافت، «نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی» بود. البته نفی شرق و غرب به معنای قطع ارتباط و عدم استفاده از دستاوردهای آنان نیست، بلکه مراد، عدم وابستگی و اتکای بی‌قید و شرط به آن‌هاست. در حقیقت، هدف، ایجاد الگویی نوین برای زندگی بود که نه شرقی باشد و نه

میزبان رأی ملت است

«حکومت جمهوری اسلامی مورد نظر ما از رویه پیامبر اکرم صلی ا... علیه و آله وسلم و امام علی علیه السلام الهام خواهد گرفت و متکی به آرای عمومی ملت خواهد بود و شکل حکومت با مراجعه به آرای ملت تعیین خواهد گردید».



صحیفه امام: ج ۲، ص ۲۲۴



غربی، بلکه بر پایه مختصات ایرانی-اسلامی و هویت اصیل خودمان استوار گردد. این نکته، مفهومی عمیق و اساسی در انقلاب اسلامی به شمار می‌رود.

الگوی غربی

برخی تحلیل‌گران انقلاب اسلامی بر این باورند که این انقلاب، پاسخی به هویت لگدمال‌شده ایرانی-مسلمان بود. از دیدگاه آنان، رسالت رضاشاه و محمدرضاشاه، «آدم کردن» ایرانی تعریف شده بود؛ اما مقصود از «آدم کردن» در واقع، غربی کردن جامعه بود. این روند در دوره رضاشاه با زور و اجبار پیش می‌رفت؛ چنانکه تیمورتاش گفته است: «نیت مقدس قائد ملی، کوبیدن بر کله‌های پوک مخالفین است». علی اکبر داور نیز معتقد بود: «راه آدم

کردن ایرانی، تنها یکی است و آن زور است و رضاشاه برای همین آمده است». فرآیند غربی‌سازی از دوره مشروطه آغاز شد، در عصر رضاشاه به اوج خود رسید و در دوران پهلوی دوم نیز تداوم یافت و این در حالی بود که رضاشاه و محمدرضاشاه درک درستی از غرب و تحلیلی صحیح از ارزش‌های اجتماعی و بومی جامعه ایران نداشتند. در نتیجه، جامعه را در وضعیتی میانه و بلا تکلیف نگاه داشتند؛ از یک سو کوشیدند از سنت‌ها و ارزش‌های ملی بکاهند و از سوی دیگر، جامعه را به سمتی سوق دادند که حتی برای خودشان نیز مبهم و نامشخص بود. به همین دلیل، الگوی

رضاشاه در غربی‌سازی، نه خود غرب را
آتاتورک و مدل ترکی بود.

الگوی نوین

مأموریت انقلاب اسلامی، طرح‌ریزی الگوی نوین
در عرصه جهانی است؛ موضوعی که در بیانات
حضرت امام خمینی رحمه الله بر آن تأکید شده
و در اصول مختلف قانون اساسی، از جمله
اصل ۴ (حاکمیت احکام دین بر کلیه قوانین
و مقررات) به وضوح مشاهده می‌شود.
مردم‌سالاری نیز از جمله اصولی است که
هرگونه تغییر در آن به معنای ایجاد انقلابی
جدید و دگرگونی در نظام خواهد بود. از یک
سو، حاکمیت دین و از سوی دیگر، حضور
فعال مردم در تعیین سرنوشت خویش، دو
رکن اساسی این الگو را تشکیل می‌دهند.

هنگامی که جامعه و نظامی بر پایه این الگو
شکل گیرد، به جامعه‌ای تبدیل می‌شود که
«لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ»؛ یعنی چنین
جامعه‌ای الگویی می‌شود که در معرض
توجه دیگران قرار می‌گیرد.

صدور انقلاب

منظور حضرت امام رحمه الله از صدور انقلاب، صدور
فرهنگ انقلاب بود؛ به این معنا که باید الگویی
تولید شود و این الگو در معرض جهانیان
قرار گیرد و در عمل، برتری‌اش نسبت به
سایر گفتمان‌ها به اثبات برسد و از جنبه
نظری نیز پاسخگوی پرسش‌های مخاطبان
بوده و از عهده نقدها برآید تا به تدریج به
گفتمان حاکم در عرصه جهانی تبدیل گردد.

هنگامی که این نظام و جامعه بر اساس این الگو ساخته شد و به عنوان نمونه‌ای موفق مطرح گردید، به آرامی گسترش خواهد یافت. تحقق این امر، زمینه‌ساز شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی خواهد بود.

ابعاد تمدن اسلامی

تمدن اسلامی چهار بُعد دارد. بُعد اول، «دین» است؛ اما مقصود از دین در اینجا، معنای حداقلی و محدود آن نیست، بلکه منظور، دین به معنای جامع و همه‌جانبه است؛ یعنی تمامی ابعاد دین که به عنوان نظریه‌ای برای زندگی دنیوی و اخروی انسان ارائه می‌شود؛ لذا امام خمینی رحمه‌الله ناظر به همین مطلب فرمودند: وَ اللَّهِ دین همه‌اش سیاست است؛ به این معنا که دین تنها ناظر به بُعد معنوی و آن هم به

صورت فردی نیست، بلکه بر اداره جامعه، مدیریت فرد، و سامان‌دهی زندگی دنیوی و اخروی انسان نیز نظارت دارد. برخی از جریان‌ها که به محدودسازی دین می‌پردازند، متأثر از تحولات فکری غرب هستند. در این نگاه، آرام‌آرام «انسان فربه» می‌شود در مقابل «خدای نحیف» شده. همان‌گونه که روسو می‌گوید: خداوند مربوط به دوره اساطیری و فلسفی است و اکنون در دوره علمی به سر می‌بریم؛ باید برای خدا جشن بازنشستگی بگیریم و از زحماتش در طول این سال‌ها تقدیر کنیم! در این دیدگاه، انسان از نظر معرفت‌شناسی تنها به تجربه، مشاهده و عقل تکیه می‌کند و نتیجه‌اش این می‌شود که این انسان

است که تعیین می‌کند خدا در کجا می‌تواند حضور داشته باشد و در کجا نمی‌تواند. در نهایت، انسان تصمیم می‌گیرد که خدا تنها در امور معنوی و فردی حق دخالت دارد.

احیاء دین

پیش از انقلاب، به دلیل تحولاتی که در غرب درباره دین رخ داده بود، تلقی نادرستی نسبت به دین در جامعه وجود داشت. اما پس از انقلاب اسلامی، دین بار دیگر در مرکز معرکه زندگی اجتماعی قرار گرفت و خدایی که پیش از این به حاشیه رانده شده بود، به متن بازگشت. به

هر دلیل و با هر نیتی، گرایش به دین در سطح جهانی رشد چشمگیری یافت. (البته حضور دین در برخی حوزه‌ها مستقیم‌تر و ملموس‌تر است؛ مانند حوزه علوم

انسانی (سیاست، اقتصاد و...) و در برخی حوزه‌های دیگر مانند علوم فنی و مهندسی، نقش جهت‌دهنده دارد.

رهبر معظم انقلاب در دیدار با علمای اهل سنت فرمودند: جمله‌ای از سید قطب همیشه در ذهن من است که می‌گوید: تشکیل یک حکومت اسلامی در گوشه‌ای از این دنیای بزرگ اثرش از هزاران کتاب، هزاران سخنرانی، هزاران مطلب نکته‌دار در ترویج دین، بیشتر است.

رکن نظام‌بخش

بر اساس روایات، دین بر پنج پایه استوار است: نماز، روزه، حج، خمس و ولایت که ولایت برترین آن‌هاست و به هیچ یک از عبادت‌های دیگر، به اندازه ولایت اهمیت

داده نشده است. لذا در جای دیگری تأکید شده که ولایت، افضل این ارکان است.^۱ دلیل این برتری آن است که ولایت، ضامن حفظ و پایداری سایر ارکان دین به شمار می‌رود. بر همین اساس امام رضا علیه السلام امامت را این‌گونه تعریف می‌کند: «إِنَّ الْإِمَامَةَ زِمَامُ الدِّينِ وَنِظَامُ الْمُسْلِمِينَ»؛^۲ امامت، زمام دین و مایه نظام و تشکیلات مسلمانان است. بنابراین امامت، نظام بخش جامعه مسلمین است. اگر این رشته گسسته شود، تمامی دین از هم می‌پاشد. لذا قدرت و سیاست به این معنا ارزش پیدا می‌کند. قدرت جایی ارزش می‌یابد که هدفی فراتر از خود

۱. الکافی، ج ۲، ص ۱۸.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۰۰.

داشته باشد؛ جایی که قدرت و سیاست نه برای خود، بلکه در خدمت تحقق آرمان‌های دینی به کار گرفته شوند. از این رو، در قرآن کریم، هم «حکمت» به معنی کتاب و میزان بیان شده و هم «حدید» به عنوان نماد قدرت و قوت مطرح گردیده است؛ زیرا اگر این پیوند گسسته شود، همه چیز از هم می‌پاشد.

عقلانیت

عقلانیت به این معنا نیست که لزوماً باید بین المصلی شویم و هر آنچه را جامعه جهانی پذیرفته، بی چون و چرا بپذیریم. ما عقلانیت را به معنای «تدبیر» می‌دانیم؛ یعنی سیاست‌ورزی مبتنی بر دین که از متن دین سرچشمه گرفته باشد این عقلانیت از یک سو به معنای «العقل

ما عبد به الرحمن^۱ است؛ به این مفهوم که نظام سیاسی باید به گونه‌ای مدیریت کند که جامعه را به سوی توحید هدایت نموده و زمینه‌ساز رشد فضائل اخلاقی شود همان‌گونه که در قانون اساسی نیز بر آن تأکید شده است. از سوی دیگر، عقلانیت به معنای عقل ابزاری و عقل معاش نیز هست؛ یعنی بتواند تلاش کند رفاه و معیشت مردم را تأمین سازد. اما در تمدن غرب، به جای آموزه‌های قرآنی و وحیانی، عقل بشری به عنوان مبنا قرار گرفته و وظیفه نظام سیاسی تنها به تأمین رفاه، بهداشت، امنیت و مواردی از این قبیل محدود شده است. در حالی که در تمدن اسلامی، علاوه بر توجه به این ابعاد مادی

۱. الکافی، ج ۱، ص ۱۱.

که وجودشان ضروری است، بر امری مهم‌تر یعنی رشد معنوی مردم و زمینه‌سازی برای تعالی فضائل اخلاقی جامعه تأکید می‌شود.

علم و اخلاق

ویژگی سوم تمدن اسلامی، «علم» است. علمی که قدرت و اقتدار می‌آورد. در آموزه‌های دینی تأکیدات فراوانی بر کسب علم شده است، تا آنجا که یکی از دلایل اصلی شکل‌گیری و اوج‌گیری تمدن اسلامی در قرون اولیه،

همین توجه وافر به علم بوده است.

حوزه چهارم، «اخلاق» است. بدین معنا که علم باید همواره با اخلاق و معنویت همراه باشد. اگر علم از اخلاق جدا شود، به بمب اتمی تبدیل می‌شود که بر سر مردم فرود می‌آید.



اوج تمدن اسلامی

اوج تمدن اسلامی در دوران ظهور تحقق خواهد یافت؛ اما هر اندازه که ما در عمل موفق باشیم، دیگران نیز این الگو را موفق ارزیابی خواهند کرد. اگر بخواهیم به عنوان الگو مطرح شویم، باید بتوانیم آنچه را که به عنوان نظری و تئوری مطرح کردیم، در عمل نیز محقق سازیم. اگر جامعه اسلامی به درستی شکل گیرد، دیگران از آن الگو خواهند گرفت و به تدریج در تمام امت اسلامی منتشر می‌شود و در نهایت، این امت قادر خواهد بود در سراسر جهان گسترش یافته و جهانی شود.

تولید فکر

اکنون در مرحله تشکیل دولت اسلامی قرار داریم. برای تحقق این هدف و شکل‌گیری



جامعه اسلامی، نیازمند ترسیم نقشه راه هستیم. انقلاب اسلامی با هدف ارائه الگویی جدید بر پایه دین در عرصه‌هایی مانند سیاست و اقتصاد به وقوع پیوست و اکنون برای تداوم این مسیر، تولید فکر و نظریه‌ای نظام‌مند ضرورت دارد. بدون این مهم، انقلاب به اهداف خود دست نخواهد یافت. اگرچه انقلاب به وقوع پیوسته، اما اداره جامعه باید بر اساس نظریه‌هایی صورت گیرد که ادعای ناکارآمدی الگوهای شرقی و غربی را محقق کند. بنابراین، اساسی‌ترین مسئله، تولید فکر و نظریه است و متولی اصلی این امر، حوزه‌های علمیه هستند. مهم‌ترین وظیفه حوزه، تولید اندیشه و نظریه در حوزه‌های نرم‌افزاری مانند فرهنگ و سبک

زندگی و همچنین حوزه‌های سخت‌افزاری مانند اقتصاد و سیاست است. پرسش‌هایی از این قبیل که مدل تحزب اسلامی چگونه است؟ اقتصاد اسلامی چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟ الگوی اسلامی برای مقابله با تورم و رکود چیست؟ نیازمند پاسخ‌هایی نظری هستند که همچون زمینی حاصل‌خیز، زمینه رشد علوم گوناگون را فراهم کنند.

ارتباط حوزه و دانشگاه

حوزه علمیه باید با تکیه بر مبانی فلسفی و دینی، این نظریه‌ها را تولید کند. سپس، بر اساس این چارچوب‌های فکری، نوبت به تولید علم می‌رسد. علم نیز به دو بخش علوم پایه و فنی و علوم انسانی مانند اقتصاد و روانشناسی تقسیم می‌شود که وظیفه تولید

آن بر عهده دانشگاه است. این علم مدون، باید از دل همان نظریه‌های تولیدشده در حوزه سربرآورد. در اینجا مسئله حیاتی ارتباط حوزه و دانشگاه مطرح می‌شود که به تعبیر رهبر معظم انقلاب، یکی از اساسی‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین مسائل انقلاب اسلامی است؛ مسئله‌ای که متأسفانه گاه به صورت سطحی و پیش‌پاافتاده با آن برخورد می‌شود. بنابراین حوزه باید با استفاده از تخصص خود در مبانی عمیق دینی و اجتهادی، به تولید فکر و نظریه پردازد و آن را در اختیار دانشگاه قرار دهد. دانشگاه نیز با تخصص خود در علوم آکادمیک، باید بر اساس آن چارچوب‌ها به تولید علم پردازد. تلفیق این

دو ظرفیت، راه را برای دستیابی به علمی مبتنی بر اسلام هموار خواهد کرد.

جنبش‌های خودجوش

گام بعدی در مسیر ایجاد تمدن اسلامی، این است که علمی که تولید شده و راه‌حل‌های اساسی برای مسائل کشور ارائه می‌دهد، وارد بدنه دولت گردد و به کار گرفته شود، تا دولت بتواند بر اساس آن، کشور را اداره نماید. اما نکته ظریفی که در بیانات حضرت آقا مشاهده می‌شود، تأکید بر حرکت‌های خودجوش مردمی است. این حرکت‌ها اگرچه جزئی از ساختار دولت محسوب نمی‌شوند، اما نقش مهمی در گفتمان‌سازی دارند.

ایشان به عنوان مثال به جهاد سازندگی اشاره می‌کنند که در ابتدا با اقدامات خودجوش

جوانان شکل گرفت و در نهایت منجر به صدور فرمان تأسیس جهاد سازندگی از سوی امام خمینی علیه السلام شد. در واقع، می‌توان مرحله‌ای به این فرآیند اضافه کرد؛ به این صورت که نخبگان بر اساس نظریه‌های تولیدشده، فعالیت‌هایی در سطح خرد جامعه انجام می‌دهند. این حرکت به تدریج گسترش یافته و گفتمان‌سازی می‌کند. امروز بسیاری از تحولات جامعه از مسیر دولت اتفاق نمی‌افتد، بلکه از طریق فعالیت‌های غیررسمی و خودجوش پیش می‌رود. اگر این حرکت‌ها به درستی عمل کنند، حتی بر دولت نیز تأثیر می‌گذارند. رهبری نیز بر تأثیر جنبش دانشجویی بر دولت و نقش آن در گفتمان‌سازی تأکید داشته‌اند.

بنابراین، همان‌طور که ایشان می‌فرمایند: همین درسی که شما می‌خوانید، مهم است؛ زیرا هر اقدام کوچک و خودجوش می‌تواند زمینه‌ساز تحولات بزرگ باشد.

زیرساخت‌های فکری انقلاب

منظور از «دولت» در اینجا، کل دستگاه حاکمیت است. به عنوان نمونه، در حوزه تقنین، اکنون ما با حدود چهل هزار قانون مواجهیم که نیازمند تنقیح و بازنگری اساسی هستند. پرسش اینجاست که دانشگاه در قبال این حجم از قوانین چه مسئولیتی دارد؟ پاسخ آن است که این قوانین باید بایستوانه‌ای علمی و فکری به بلوغ و پختگی لازم برسند. بنابراین، در فرآیند تحول از «انقلاب» به «نظام» و سپس به «دولت»، سه حلقه

اساسی بین دولت و نظام اضافه می شود که عبارت است از: تولید فکر و نظریه، تولید علم و کاریست عملی در سطح خرد با هدف گفتمان سازی؛ این سه مرحله، زیرساخت فکری و عملی لازم برای اداره کشور بر مبنای اسلامی را فراهم می کنند.

تکاپوی همگانی

نهضت جنبش نرم افزاری به این معناست که در فرآیند تولید فکر و علم، تکاپوی جدی و همگانی ایجاد شود تا این جریان به گفتمان مسلط جامعه تبدیل گردد در این مسیر، استاد و دانشجو باید تولید علم را به دغدغه اصلی خود تبدیل کنند و همگی برای دستیابی به این هدف قیام کنند؛ حرکتی که باید به پدیده ای عمومی تبدیل شود. اگر این حرکت های خودجوش و فعالیت های دولتی به درستی انجام پذیرد،

«توافق گفتمانی» حاصل می شود. توافق گفتمانی به این معناست که ریل جامعه به سمت گفتمان مطلوب جهت گیری شود. گفتمان همان الگوی پارادایمی است که به شما جهت می دهد، افق تان را تعیین می نماید و همچون شابلونی عمل می کند که چارچوب فکری جامعه را شکل می دهد؛

وقتی گفتمانی به ریل جامعه تبدیل شود، همه به صورت طبیعی در آن مسیر حرکت می کنند. برای تغییر مسیر یک قطار، لازم نیست قطار را جابه جا کنید؛ کافی است سوزن بان، ریل را عوض کند تا قطار به طور خودکار مسیر جدید را در پیش گیرد. نمونه این مسئله را در موضوع حجاب می بینیم؛ وقتی تبرج به ارزش اجتماعی تبدیل شود، حتی اگر کسی

چادر هم بپوشد، ممکن است به شکلی ظاهر شود که مصداق همان تبرج باشد.

در نهایت، نرم‌افزار به معنای مبانی و زیرساخت‌های فکری است که جهت‌گیری کل جامعه را تعیین می‌کند.

جامعه اسلامی

مرحله بعد، شکل‌گیری جامعه اسلامی است. نکته مهم این است که اگرچه جامعه اسلامی در تقسیم‌بندی مراحل، در سطح بالایی قرار دارد، اما در واقع همین اکنون در حال شکل‌گیری است. برای درک بهتر می‌توان آن را به نسبت نیت انسان با شخصیت برزخی‌اش تشبیه کرد؛ همان‌گونه که انسان در همین دنیا و بر اساس اعمال و نیایش، شخصیت برزخی خود را می‌سازد،

جامعه اسلامی نیز هم‌اکنون در حال ساختن هویت

نهایی خود است. به همین دلیل رهبر انقلاب تأکید

می‌کند که تمامی گفتار و رفتار ما اثرگذار است

پس از طی این مراحل، به جامعه اسلامی الگو دست خواهیم یافت که می‌تواند در معرض دید و ارزیابی دیگران قرار گیرد.

با توجه به این نقشه راه، باید خلأهای موجود را شناسایی کنیم. یکی از این خلأها، ضعف در تولید فکر و علم است؛ به عنوان مثال، در مسئله سبک زندگی، بخشی مربوط به مدل پوشش است. ما در این حوزه صرفاً با مدل‌ها و رفتارهای نادرست مقابله می‌کنیم، در حالی که در جامعه نیازی واقعی وجود دارد که بر اساس آن تقاضا شکل می‌گیرد. این نیازها باید پاسخ داده شوند، با نادیده

گرفتن یا سرکوب تقاضا، مشکل حل نخواهد شد. اگر ما پاسخی ارائه ندهیم، دیگران این کار را خواهند کرد.

دایره این مبحث بسیار گسترده است؛ از مسائل جزئی مانند پوشش تامسائل کلان‌تری مانند نظام بانکی و مدل بانکداری اسلامی را در بر می‌گیرد. پرسش‌هایی که هرکدام نیازمند پاسخ‌هایی درخور می‌باشد که باید از طریق همکاری حوزه و دانشگاه ارائه گردند.

حلقه وصل

مهم‌ترین کاری که جنبش دانشجویی می‌تواند انجام

دهد، تمرکز بر حلقه وصل حوزه و دانشگاه است

اگر دقت کنید، امام ره نفرمودند بسیج دانشجویی، بلکه بسیج دانشجو و طلبه را در کنار هم مطرح کردند.

ما در بسیاری از اوقات، متوجه عملکرد خویش نیستیم؛ به گونه‌ای عمل می‌کنیم که گویا انقلاب اسلامی اتفاق نیفتاده است. ما در تراز انقلاب اسلامی قرار نداریم. حضرت آقا در جایی فرمودند: این مسجد که قبل از انقلاب هم همین‌طور بود، در محرم‌ها مراسمی بود و سخنرانی‌ای و... آیا مسجد قبل از انقلاب و مسجد بعد از انقلاب نباید تفاوتی داشته باشد؟ یا مثلاً در مورد موسیقی، ایشان در دیدار با مرکز تولید دانش صدا و سیما می‌فرمایند: ببینید چه موسیقی‌ای با برنامه‌های علمی تناسب دارد و بومی است، سفارش دهید تا برایتان تولید کنند. وقتی شما تولید نداشته باشید، مجبورید موسیقی دیگری را جایگزین کنید؛ زیرا نمی‌توان جامعه را در خلأ اداره کرد.

امت اسلامی

مرحله بعدی، مرحله تشکیل «امت اسلامی» است. هنگامی که جامعه اسلامی به درستی شکل گیرد، همانند نوری خواهد بود که هم روشن است و هم روشنی می بخشد. در چنین شرایطی، جوامع دیگر از آن الگوبرداری می کنند. چنانکه در قرآن نیز این مطلب آمده است: «لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ»؛^۱ تا گواهانی بر مردمان باشید.

آزاداندیشی

اگر آزاداندیشی نباشد، انسداد فکری پدید می آید. برای تولید علم، باید زمینه اندیشیدن را فراهم کنیم. قرآن کریم، با آنکه حقانیت خویش را با صراحت بیان می کند

۱. بقره، ۱۴۳.

و می فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»^۲، اما در عین حال، همگان را به تحدی و آوردن همانند خود فرا می خواند؛ نخست می فرماید ده سوره مانند آن بیاورید، سپس کار را آسان تر کرده و می گوید تنها یک سوره بیاورید. به این ترتیب، عرصه را برای حریف بازتر می کند تا بیشتر بیندیشد و بکوشد. این رویکرد، نه تنها محدودیتی برای پرسش ایجاد نمی کند که مشوق پرسشگری و تکاپوی فکری است. اساساً یکی از دلایل گسترش اسلام، همین روحیه آزاداندیشی بود؛ برخلاف گروههایی مانند بهائیت که حیات فکری شان بر استبداد رأی استوار است - زیرا حرف تازه ای برای گفتن ندارند

۲. حجر، ۹.

- اما اسلام در فضای آزاداندیشی زنده می‌ماند و رشد می‌کند. از این رو، همواره پرسش‌ها، مسائل و پاسخ‌های جدیدی تولید می‌کند؛ چراکه اسلام از حیث مبانی، غنی است. «الْإِسْلَامُ يَغْلُو وَلَا يَغْلَى عَلَيْهِ»؛^۱ اما این گوهر والا باید با تلاش فکری و اجتهاد مستمر، استخراج شود.

جایگاه مطلوب

امت اسلامی با همه ابعاد خود در قالب ملت‌ها و کشورها، باید به جایگاه مدنی مطلوب قرآن دست یابد. شاخصه اصلی و عمومی این تمدن، بهره‌مندی انسان‌ها از تمام ظرفیت‌های مادی و معنوی است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خودشان تعبیه کرده است. آرایش ظاهری

این تمدن را باید در حکومت مردمی، قوانین برگرفته از قرآن، اجتهاد و پاسخگویی به نیازهای نوین بشر، پرهیز از تحجر، ارتجاع، بدعت و التقاط، ایجاد رفاه و ثروت عمومی، استقرار عدالت، رهایی از اقتصاد مبتنی بر ویژه‌خواری، ربا و تکاثر، گسترش اخلاق انسانی، دفاع از مظلومان عالم، ترویج روحیه تلاش، کار و ابتکار مشاهده کرد.

نگاه اجتهادی و عالمانه به عرصه‌های گوناگون - از علوم انسانی تا نظام تعلیم و تربیت رسمی، از اقتصاد و بانکداری تا تولید فنی و فناوری، از رسانه‌های مدرن تا هنر و سینما و از روابط بین‌الملل تا سایر زمینه‌ها - همه از لوازم ضروری این تمدن‌سازی به شمار می‌روند.

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۳۳.

عزیزان!
 دهه‌های آینده دهه‌های شما است
 و شما باید که کار آزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید
 و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که
 ایجاد تمدن نوین اسلامی
 و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذه) است،
 نزدیک کنید.

بخشی از بیانیه گام دوم انقلاب
 خطاب به جوانان

که به دنبال ارتباط بیشتر
 محتان سیدالشهدا ﷺ است...
 قرار نیست مشعر تولید کند،
 قرار است مشعر این‌ها تولیدات
 و فعالیت‌های شما باشد.
 اینجا، جای آرم هیأت شماست
 که باید در شماره‌های بعد پرش کنید...



نشریه‌های امروز
 heyatemrooz.ir
 @heyatemrooz_ir



۰۲۵ - ۳۶ ۶۳ ۱۲ ۲۰
 ۳ ۰۰۰ ۱۵۴۲
 www.1542.org
 info@1542.org

جامعه ایمانی مشعر،
 محفلی است برای گردآمدن
 هیأت‌های کشور،
 مشعر چیزی جز اجتماع هیأت‌ها نیست،
 جامعه‌ای فراتر از مرزهای نژادی و
 تقسیمات جغرافیایی و سیاسی،
 اجتماعی ایمانی و توحیدی است